



رؤیت خداوند در فرق اسلامی (معتزله، اشاعره، ماتریدیه، شیعه، خوارج)

کمال ارباب^۱، مرتضی عرفانی^۲

^۱دانشگاه سیستان و بلوچستان / دانشجوی کارشناسی ارشد، kmalarbab@gmail.com

^۲دانشگاه سیستان و بلوچستان / استادیار، kmalarbab@gmail.com

چکیده

رؤیت یکی از بحث برانگیزترین صفات خداوند است که در فرق اسلامی به گونه های مختلفی مطرح می شود؛ و بر این اساس ما در این مقاله به بررسی «رؤیت خداوند در فرق اسلامی» پرداخته ایم و روش کار ما در این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و سعی ما بر این است که در این مقاله سؤالات زیر را مورد تحلیل قرار دهیم. رویت به چه معناست؟ آیا رویت خدا امکان پذیر هست یا نه؟ و اینکه آیا دیدن خداوند با چشم سر میسر است یا با چشم باطن؟ در این مورد هم بحث هایی بوده است که ما به آن پرداخته ایم، و در پایان به این نتیجه رسیده ایم که رؤیت مربوط به یکی از صفات خداوند است، شیعه و

مقدمه

رؤیت؛ از ریشه (رَّءَى) به معنی دیدار، دیدن به چشم، بینش، مشاهده آمده است؛ در اصطلاح عرفانی رؤیت عبارت از مشاهده به بصر است خواه در دنیا و خواه در آخرت؛ و مراد از رؤیت در اصطلاح صوفیان رؤیت حق و لقاء اوست که «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ لَكَ» (قرآن ۵/۲۹) رؤیت عیان در این جهان متعذر است اما در آخرت مؤمنان را موعود است به حکم «وجوه يومئذ ناضرة الى ربها ناظرة» (قرآن ۲۲/۷۵، ۲۳) و کافران را ممنوع است به حکم «كلا انهم عن ربهم يومئذ لمحجوبون» (قرآن ۱۵/۸۳) مؤمنان حق را در دنیا به ایده ایمان ببینند و در آخرت به نظر عیان. راغب اصفهانی در المفردات الفاظ قرآن کریم در تعریف رؤیت می گوید که: رؤیت دیدن اشیای قابل مشاهده است و رؤیت به حسب قوای نفسانی بر چند قسم است: اول دیدن حس و آنچه به منزله آن است... دوم، مشاهده با قوه وهم و خیال... سوم، مشاهده با آینده نگری و چهارم، مشاهده با عقل است. (۲)، ص ۳۳۱. بحث رؤیت خداوند از جمله مباحثی است که همواره متکلمان مسلمان را به خود مشغول داشته است و هر یک نظریاتی را در اثبات یا رد آن مطرح نموده اند، که اغلب نیز در شرح و بسط نظریات خود به آیات قرآنی استناد و استدلال کرده اند. (۵)، ص ۴۲.

در نیمه اول قرن دوم هجری مسلمانان به دو فرقه اهل حدیث و فرقه اعتزال تقسیم شدند. اهل حدیث کسانی بودند که به ظواهر آیات و روایات تمسک می کردند بدون اینکه غور در مفاهیم و دقت در اسناد آن ها بکنند. این فرقه اکثریت مسلمانان را تشکیل می دادند و به مشبه و مجسمه و حشویه و حنابل و دیگر نام ها از آن ها تعبیر می شد. این عده برای خداوند اعضاء و جوارح و حرکت و انتقال قائل بودند. فرقه دوم معتزله می باشند که به عقل بیشتر از نقل تمسک می کردند و نقل

معتزله و خوارج بالاتفاق معتقدند که خداوند با چشم ظاهر نه در این دنیا و نه در دنیا و آخرت هرگز دیده نمی شود بلکه معتقدند که خداوند را در آخرت با چشم دل می توان دید، در مقابل اشاعره که اهل حدیث و ظاهر گرا می باشند رؤیت خداوند را با همین چشم ظاهر جایز می دانند حتی ذوق و لمس و شم را هم در مورد خداوند جایز می دانند. دلایل عقلی و نقلی از طرف اشاعره و امامیه ارائه شده است که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت

واژه های کلیدی: رؤیت، رویت خداوند، امکان رویت، فرق اسلامی، چشم ظاهر، چشم باطن

را هنگامی که مخالف با فکر و عقل بود تأویل می کردند. قبل از این دو فرقه ما فرقه شیعه را داریم که در زمان پیامبر اکرم (ص) به کسانی که پیرو علی بن ابی طالب بودند و اعتقاد به امامت و جانشینی وی داشتند، شیعه گفته می شد. نوبختی در کتاب فرق الشیعه و ابو الحسن الاشعری در مقالات الاسلامیین و شهرستانی در ملل و نحل و همچنین مورخان دیگر همین نظر را دارند. نزاع بین دو فرقه اهل حدیث و معتزل در باب خداوند، اسماء و صفات، قرآن و موارد دیگر وجود داشت تا قرن چهارم هجری که در اوائل این قرن شیخ ابو الحسن الاشعری از اعتزال رجوع کرد و وارد فرقه اهل حدیث شد از این زمان بود که دو فرقه اعتزال و اشعری در مقابل هم قرار گرفتند. تفصیل این مطلب که هر کدام از این فرقه ها اعتقاد و نظرشان در باب خداوند و اسماء و صفات الهی چیست در این تحقیق منظور نیست، آنچه در این تحقیق مورد نظر است، این است که آیا رؤیت خداوند امکان دارد یا نه؟ نظر هر کدام از فرق های کلامی را بیان می کنیم و ادله ای که هر کدام برای نفی و اثبات از عقل آورده اند را خواهیم آورد و در پایان نظر صحیح را بیان می کنیم [۱۹ و ۱۳].

معنی رؤیت

قبل از آنکه نظرات مختلف را بنویسیم بهتر است کلمه رؤیت را از لحاظ لغوی بررسی کنیم و ببینیم که چه معنی برای آن بیان شده است. راغب اصفهانی در مفردات چهار معنی برای رؤیت می آورد: الاول: بالحاسة و ما یجری مجراها نحو لترون الجحیم ثم لترونها عین البقین تکاثر/ الثانی: بالوهم و التخیل نحو قوله: و لو تری اذ یتوقی الذین کفروا انفال/ ۵۰. الثالث: بالتفکر: (انی أری ما لا ترون) انفال/ ۴۸. الرابع